

# تألیفات ایرانیان در آسیای صغیر

از نبرد ملازگرد تا قرن نهم هجری

دکتر فاطمه تقوایی

پژوهش‌سرای خوارزمی‌پاکدشت

اشاره

مهاجرت ایرانیان به آسیای صغیر که با فتح بزرگ آلبارسلان در جنگ ملازگرد روبه‌ازدیاد نموده بود، از قرن هفتم و با شروع حملات مغول گسترده‌تری بیشتری پیدا کرد. شکل‌گیری دولت سلجوقیان روم، به زودی آناتولی را نه تنها به‌عنوان پایگاه جدید قدرت و ثروت، بلکه به مثابه کانون تحولات فرهنگی مطرح کرد که در آن، نشانه‌های فرهنگ ایرانی بیش از همه جلب‌نظر می‌کرد. مسئله اساسی در تحقیق حاضر بررسی میزان تأثیر ایرانیان در توسعه فرهنگ ایرانی در آسیای صغیر، در زمینه آثار تألیفی است. یافته‌های این پژوهش بر این نکته تأکید دارد که ایرانیان مهاجر به همراه خود نشانه‌های بارزی از فرهنگ و هنر رایج در ایران عصر سلجوقی را به آسیای صغیر بردند و خود نیز آثار بسیاری را خلق کردند. در این میان، شرایط مناسب فراهم شده توسط حاکمان سلجوقی روم نیز زمینه را برای رشد و شکوفایی فرهنگ ایرانی در این حوزه فراهم نمود.

کلیدواژه‌ها: سلجوقیان روم، آسیای صغیر، ملازگرد، فرهنگ ایران

## نخستین آثار علمی و حمایت پادشاهان سلجوقی

تولید نخستین آثار علمی مکتوب در آناتولی، در شهر قیصریه آغاز شد. ابن‌کمال‌الیاس بن‌احمد که نخستین اثر را در آناتولی به‌جا گذاشت، محافظ شهر قیصریه در دوره آل دانشمند بود و کتابی به نام «کشف‌العقبه» در هیئت و حکمت تألیف نمود و آن را به گومیش‌تکین احمد غازی، مؤسس دولت آل دانشمند، تقدیم کرد. (بایرام

و اوجاق ۱۳۷۸: ۱۹۷) نکته‌ای که ذکر آن در اینجا ضروری به‌نظر می‌رسد، علاقه‌مندی سلاطین و شاهزادگان سلجوقی به تولید این آثار و حمایت از آنهاست. چنان‌که بسیاری از افراد این دودمان از خود اشعاری فارسی بر جای نهاده‌اند، از جمله سلطان غیاث‌الدین کیخسرو اول، (۵۸۸ هـ ق/ ۱۱۹۲م - ۵۹۲ هـ ق/ ۱۱۹۶م)؛ مثنوی، سلطان رکن‌الدین سلیمان دوم، (۵۹۲ هـ ق/ ۱۱۹۶م، ۱۲۰۴/۶۰۰) رباعی،

و شاهزاده **ملک ناصرالدین برکیارق شاه** - که منظومه حورزاد و پری نژاد از اوست. همچنین **سلطان عزالدین کیکاوس اول** (۶۰۷ هـ ق/۱۲۱۰م - ۶۱۷ هـ ق/۱۲۲۰م) دو بیتی، **سلطان علاءالدین کبکباد اول** (۶۱۶/۱۲۱۹ - ۶۳۴/۱۲۳۷) رباعی و شاهزاده **ملک علاءالدین داوودشاه**، دو بیتی می سروده‌اند. (ابن بی‌بی، صص ۲۲۸-۱۹۹-۲۲-۵۹-۹۱-۳۵۸) چند تن از پادشاهان و امیرزادگان شعر دوست این دودمان نیز ممدوح بعضی از گویندگان معاصر خویش بوده‌اند. **علاءالدین کبکباد اول**، که خود صاحب ذوق و هنر بود و در بسیاری از علوم و فنون دست داشت، همواره کتاب **کیمیای سعادت** غزالی و **سیرالملوک** (سیاست‌نامه) خواجه نظام‌الملک را مطالعه می کرد (ابن بی‌بی، ۱۹۵۷: ۲۲۸). از همین رو بود که علما و دانشمندان در این دوره به تألیف و استنساخ کتب، به ویژه استنساخ کتاب‌هایی به زبان فارسی همت گماشتند و در موارد متعددی آن‌ها را به سلاطین و بزرگان سلجوقی تقدیم کردند.

**تألیفات عالمان و دانشمندان**  
از **کمال‌الدین ابوالفضل حبیب‌بن ابراهیم تغلیسی**، دانشمند معروف و پرکار نه کتاب فارسی در دست است که همگی در آسیای صغیر تألیف شده‌اند:

۱. کامل‌التعبیر که به قلیچ ارسلان‌بن مسعود تقدیم گردیده است (۵۶۰۰/۱۲۰۳م)؛
۲. بیان‌النجوم، ۳. قانون‌الادب، ۴. کفایة الطب یا بیان‌الطب، ۵. اصول‌الملاحم یا ملحقات دانیال، ۶. بیان‌الصناعات، ۷. ترجمان‌القوافی، ۸. وجوه‌القرآن، ۹. جوامع‌البیان. وی روزگار خود را در آسیای صغیر، به ویژه قونیه، سپری می‌کرده است و به همین دلیل، زبانی که در آثار فارسی خود به کار برده به احتمال زیاد تحت تأثیر فارسی متداول در غرب ایران و آسیای صغیر بوده است. بنابراین، بررسی آثار او به منظور شناخت بهتر ویژگی‌های گویش‌های

غرب ایران حائز اهمیت است. (صادقی: ۱۹۹)

**اثیرالدین المفضل الابهری** (متوفی ۵۶۶۳/۱۲۶۴م) نیز بیش از ۳۰ اثر در حوزه‌های مختلف علوم چون فلسفه منطق، کلام، هیئت، نجوم، ریاضیات و طبیعیات، به زبان‌های عربی و فارسی دارد و کتاب «المنطق» مشهور به ایساغوجی، و «الهدایه» و «کشف الحقایق فی تحریر الدقایق» نیز از آثار مهم اوست. رساله‌ای هم با نام «المطامع» به فارسی نوشته است. کتاب‌های ابهری به‌خصوص «الهدایه» و «المنطق» (ایساغوجی) مدت‌ها در ممالک اسلامی مشهور بود و به‌عنوان کتب درسی خوانده می‌شد. (صفا، ۱۳۷۳، ج ۳: ۲۴۷). نجم‌الدین کاتبی قزوینی از شاگردان بنام ابهری بوده که شرحی به نام «جامع الدقایق فی کشف الحقایق» بر کتاب استاد خود نوشته است. ابهری دیوان شعری نیز دارد که شامل ۳۰۰۰ بیت است. این رباعی منسوب به اوست:

تا کی مدد نفس بد آموز کنم؟

خلقی ز وجود خود غم اندوز کنم

من بعد بر آنم که به قرصی چو فلک

روزی به شب آرم و شبی روز کنم

**قطب‌الدین محمودبن مسعود شیرازی** «علامه» (۵۷۱۰/۱۳۱۰م) که روزگاری در رصدخانه مراغه و نزد خواجه نصیرالدین بود نیز از دانشمندان است که مدتی را در آسیای صغیر به سر برد و در آنجا خلاصه‌ای از کتاب «نهایة الادراک» خود را، که به عربی بود، به نام «اختیارات مظفری» به فارسی نوشت

و آن را به **یولق ارسلان**، حکمران قسطنطنیه، هدیه کرد. (ریاحی، ۱۳۵۰: ۴۲) قطب‌الدین در این کتاب اشکالات مجسطی و دیگر متقدمان را حل کرده است. از دیگر آثار او به فارسی کتاب «مکاتیب» است. **قطب‌الدین شیرازی** در مقدمه «اختیارات مظفری» می‌نویسد: «از حضرت یولق ارسلان اشاراتی رفت که فصلی چند در شرح اوضاع و افلاک و اجرام پردازد... و تعبیر آن به الفاظ فارسی طرازد تا عواید فواید او خاص و عام را شامل بود.»

**یوسف‌بن محمد نوری**، کتاب «لسان الطیور و الازهار» را به نام عیسی بیگ، که در سال‌های ۷۹۳-۷۴۹ در آیدین در مغرب آسیای صغیر، حکومت می‌کرد، ترجمه نموده است و از قول ممدوح می‌گوید: «می‌فرمود اگر چه کتابی است به این شریفی، فاما فواید معانی او مخصوص است به طایفه اعراب که عاری نباشند از علم اعراب، و طوایف دیگر محرومند از جواید فواید این کتاب، پس به بنده حقیر اشارت فرموده تا لباس آن کتاب شریف را به خلعت فارسی مبدل سازد.» نگارنده در باب احوالات مؤلف کتاب «لسان‌الطیور» نتوانست بیش از این اطلاعاتی کسب کند اما چنانچه از نام وی مشهود است احتمال می‌رود خود و یا خاندانش از اهالی نور مازندران بوده‌اند. ولی در آن زمان در آسیای صغیر می‌زیسته‌اند.

**جمال‌الدین آقسرای** (بین ۸۰-۵۷۷۰/۱۲۶۸م) او نیز یکی از علمای دوران بود که احفادش به چهارپشت فخرالدین رازی می‌رسیدند. از وی اجوبه و اسئله‌ای به زبان فارسی باقی است که در مقدمه آن می‌گوید: «اسئله و اجوبه‌ای چند از علم تفسیر به زبان پارسی که اهل این دیار را از لغت تازی و عبارت حجازی انفع و استفهام دقایق را بر افهام حدایق اوقع است، تحریر کنم.» (ریاحی، ۱۳۵۰: ۴-۴۲)

## تألیفات شاعران و اهل طریقت

**شیخ نجم‌الدین ابوبکر عبداللہ بن محمد رازی**، معروف به نجم‌الدین دایه (متوفی ۵۶۵۴/۱۲۵۶م) نیز صاحب کتاب‌های مشهور مرصادالعباد، رساله الطیر و رساله‌العشق می‌باشد (ریاحی، ۱۳۵۰: ۲۹) که همگی به فارسی فصیحی نگارش یافته‌اند. علاوه بر این‌ها اشعاری به پارسی دارد. مهم‌ترین اثر او همان «مرصادالعباد من المبدء الی المعاد» است که تألیف آن را نویسنده در رمضان ۶۱۸/۱۲۲۱م در قیصریه (قیساریه) آغاز کرد و در دوشنبه اول ماه رجب سال ۶۲۰/۱۲۲۳ در شهر

سیواس به اتمام رسانید و سپس آن را به **علاءالدین قیقباد سلجوقی** تقدیم کرد. این کتاب که به درخواست شاگردان نجم‌الدین نوشته شده، در تصوف و سلوک است و خود در فصل دوم از باب اول آن در باب آنکه سبب نهادن این کتاب خاصه به زبان پارسی چه بوده تصریح کرده است که: «پارسی زبانان را آنچه به زبان تازی است فایده‌ای نیست.»

اثر دیگر او رساله «معيار الصدق فی مصداق العشق» یا «رساله عشق و عقل» است. (ریاحی، ص ۲۹) تألیف مهم دیگرش «مرموزات اسدی در مزمورات داودی» است که به نام علاءالدین داود شاه‌بن بهرام شاه، پادشاه ارزنجان نوشته است نیز در حقیقت خلاصه‌ای از همان مرصادالعباد و «متضمن ابوابی است در معرفت سلوک، سلوک ملوک با آیین جهان‌داری، نصیحت و مواعظ‌الملوک، تواریخ‌الملوک از عهد آدم و... در کتاب «مرصادالعباد» گذشته از مضامین مهم و متنوع که از تصوف گرفته شده، شواهد باارزشی از شعرا نقل می‌گردد که از آن جمله است کهن‌ترین اشارات به رباعیات عمر خیام، که در نوع خود بسیار جالب است.» (تاریخ ایران کمبریج، ج ۵: ۵۸۳)

**بهاء‌الدین محمدبن حسین بلخی**  
**یا بهاء ولد** (متوفی ۵۶۲۸/۱۲۳۰م)  
پدر مولوی، اثری دارد به نام «کتاب المعارف» که مجموع مواعظ او و شامل مباحثی است در توحید، اسماء و صفات الهی و دیگر موعظت‌مربوط به کلام و تصوف و نیز نکاتی در تفسیر قرآن البته با تعبیراتی شاعرانه و الفاظی دلنشین. مولانا در محاورات خویش غالباً از این کتاب به تعبیر «فواید والد» یاد می‌کند و تأثیر مضامین و مطالب معارف در آثار مولوی مشهود است. (زرین‌کوب، ۱۳۶۳: ۲۷۹ و صفا، ۱۳۷۳، ج ۲: ۱۰۲۲) مولوی در مثنوی و غزلیات خود از معانی این کتاب اقتباس بسیار کرده است.

**حضور اوحدالدین کرمانی** (متوفی ۶۳۵/۱۲۳۷م) نیز در این دوران حائز اهمیت است. کتاب «مصباح‌الارواح» از جمله منظومات بلاغت آیین شیخ

اوحدالدین است (خواندمیر، ۱۳۵۳، ج ۳: ۱۱۶). این کتاب شرح تمثیلی سفری زیارتی به شهرهای خیالی است و در ابراز اندیشه‌های بنیادی شباهت نزدیکی با کمدی الهی دانته دارد (تاریخ ایران کمبریج، ج ۵: ۵۶۹). البته رباعیات پراکنده وی نیز پس از مرگش توسط یکی از نزدیکان وی با نام «فوائد شیخ اوحدالدین کرمانی» روی موضوعات مختلف تنظیم و در ۱۲ باب تصنیف شده است. از شیوه و زبان آن به‌راحتی می‌توان تعلق آن را به اخی اورن (شیخ نصیرالدین محمود الخویی) مشخص نمود. (بایرام و اوجاق، ص ۱۷)

**برهان‌الدین محقق ترمذی** نیز از خود اثری مهم برجای نهاده است به‌نام «معارف» و اثر کوچک دیگری به‌نام «تفسیر سوره فتح». **سید سردان** در این رسالات بسیاری از مسائل عرفانی را به مناسبت مطالبی که در پیش داشته، مورد بحث قرار داده و عقاید خود را به سادگی و صراحت بیان نموده است. معارف، مجموعه تقریرات محقق ترمذی است که در مجالس بیان کرده و به شیوه صوفیان جمع‌آوری شده است و از قبیل همان مباحث معارف بهاء ولد و فیه مافیة و مجالس مولانا جلال‌الدین را در آن می‌یابیم و چون در این بیانات بسیاری از مسائل عرفانی حل می‌شده بدین جهت دارای اهمیت از حیث تحقیق در تصوف و عرفان و وضع خاص آن در آغاز قرن هفتم هجری دارای اهمیت وافری است.

**مولانا جلال‌الدین محمدبن بهاء‌الدین بلخی** (مولوی متوفی ۶۷۲/۱۲۷۳م) نیز اظهر من الشمس است. مثنوی معنوی و دیوان شمس تبریزی از معروف‌ترین آثار منظوم وی است. «تعداد ابیات کلیات شمس که مجموعه اشعار غنایی مولاناست به ۳۶۳۴۹ بیت بالغ می‌گردد. این اشعار از آغاز تا پایان مشحون از اندیشه عرفانی اتحاد عاشق و معشوق است. کتاب اصلی جلال‌الدین که دایرة المعارف تصوف و عرفان می‌باشد، دیوان مثنوی معنوی است. این دیوان در ۶ دفتر فراهم آمده است و مجموع اشعار آن

به ۲۷۰۰۰ بیت می‌رسد. دفتر ششم آن ناتمام است. دفتر هفتمی نیز دارد که بر ساخته و جعلی است. شور و حال مثنوی کمتر از غزلیات است اما قطع نظر از اهمیتی که برای فلسفه و اخلاق و تصوف دارد، دارای زیبایی‌های شعری زیاد و دیگر اصالت‌های هنری است.» (لمبتون، ۱۳۷۱، ج ۵: ۶۰-۵۵۹)

«از **فریدون بن احمد سپهسالاری** (متوفی اوایل قرن ۱۴/۸م) اثری باقی است به‌نام رساله فریدون سپهسالار» که مانند کتاب «مناقب‌العارفین» **افلاکی** از کتب بسیار مهم در بیان احوال پیشروان سلسله مولویه است و چون گذشته از بیان احوال مولانا، در مورد بسیاری از حوادث و نیز شرح حال عده‌ای از معارف آسیای صغیر در قرن ۷ اشاراتی در آن کتاب دیده می‌شود آن را باید از مأخذ مهم در تاریخ تصوف و علوم و آداب شمرد. اصطلاحات و تعبیرات صوفیانه کتاب و شرح و تفسیر آن‌ها جالب توجه است و بسیاری از کلمات و ابیات مولانا در جای جای آن تکرار شده است. انشای کتاب استوار و استادانه است و به اقتضای زمان، همراه با استفاده فراوان از ترکیبات و عبارات عربی است.» (صفا، ۱۳۷۳: ۱۲۵۴)

**فخرالدین ابراهیم بن بزرجمهر عراقی** (۵۶۸۸/۱۲۸۹م) از دیگر شاعرانی است که مدتی را در آناتولی سپری نموده است. دیوان قصاید و غزلیات وی شامل ۴۸۰۰ بیت است. همچنین منظومه‌ای بر وزن «حدیقه» **سنایی** به نام «عشاق نامه» یا «ده‌نامه» برای **شمس‌الدین صاحب دیوان** سروده است که مجموعاً ۱۰۶۳ بیت است. در نثر فارسی نیز کتاب بسیار معروفی در تصوف تألیف کرده است به اسم «لمعات» که در نهایت شور و لطف نگاشته شده و انشای عاشقانه و بسیار لطیفی دارد. وی این کتاب را پس از درس خواندن نزد **صدرالدین اسحق قونیوی** نوشته و به استاد خود اهدا نموده و از او اجازه انتشار گرفته است. این کتاب از بهترین آثار متصوفه در زبان فارسی است و شرح‌های متعدد بر آن نوشته‌اند که از آن جمله است

→ آرامگاه مولانا



شرحی که **عبدالرحمن جامی**، شاعر معروف قرن نهم هجری، به اسم اشعة اللمعات در سال ۱۴۸۴/۵۸۸۹ پرداخته است. (اقبال: ۵۳۸ و صفا ج ۳: ۵۵۷ و هدایت: ۱۶۳)

**سیف‌الدین ابوالمحمد محمد الفرقانی آقسرائی** (بعد از ۷۰۵/۱۳۰۵م) نیز شاعری است که دیوان شعری از او باقی مانده است. وی در سخن از سبک خراسانی در قرن ششم هجری متأثر بود. کلام او ساده و روان است و در دیوانش واژه‌های عربی کم به کار رفته است؛ هر چند، گاه ترکیب‌های عربی را با ترکیب‌های فارسی در بعضی از شعرهای خود در هم آمیخته و گاه نیز حتی یک مصراع را تماماً عربی آورده است. مانند: روی از خلق بگردان که حق در این است

که تو کلت علی‌الله این است  
غزل‌های سیف که شاید بیشتر  
متمايل به آن‌هاست، عادتاً وقف بر  
موعظه‌ها و انتقادهای اجتماعی و  
بیان حقیقت‌های عرفانی است و به  
شاعران دیگر نیز سفارش می‌کند که  
از مدیحه‌گویی بپرهیزند و قناعت پیشه  
کنند یا طبع خود را به غزل‌گویی  
و ستایش معشوق و یا وعظ و اندرز  
بگمارند. بیان نقیصه‌های اجتماعی و  
برشمردن زشتی‌ها و پلیدی‌های طبقه  
فاسد جامعه در اشعار سیف دیده  
می‌شود. این نقدهای صریح و جدی  
خالی از هزل و مطایبه است. (صفا،  
۱۳۷۳ ج ۳: ۵-۶۲۳)

**بهاء‌الدین احمد بن محمود قانعی طوسی** از کسانی است که از مقابل سیل هجوم مغول در سال ۱۲۲۰/۵۶۱۷م از خراسان گریخت و به بلاد روم رفت و در ظل عنایت سلطان **علاء‌الدین کيقباد سلجوقی** قرار یافت و به مداحی او اشتغال ورزید و ملک‌الشعراى او شد. وی نزدیک ۴۰ سال در همین مقام باقی ماند. او «سلجوق‌نامه» مشهور خود را به نام **علاء‌الدین کيقباد** نظم کرد. در عهد **عزالدين كيكابوس** دوم نیز به نظم کلیله و دمنه همت گماشت و آن را به نام او به پایان

اوست و سپس مثنوی‌های سه‌گانه او که مجموعه آن‌ها به مثنوی ولدی یا ولدنامه مشهور است. دفتر دوم این مثنوی، که معمولاً رباب‌نامه خوانده می‌شود، مشتمل بر دو بخش ترکی سلجوقی و دیگری به یونانی است که از لحاظ زبان‌شناسی اهمیت زیادی دارد. (تاریخ ایران کمبریج، ج ۵: ۵۶۰) سلطان ولد اقوال و گفتار شمس تبریزی را نیز در کتابی با عنوان «مقالات شمس» گردآوری نموده است.

### تألیفات قضات و دیوانیان

برخی از تألیفات این دوران نیز توسط قضات، که عمدتاً خود دانشمندانی بنام بودند، نگاشته شده است و یا نویسندگان دیگری تألیفات خود را به شرح حال زندگی آنان اختصاص داده‌اند که در اینجا به برخی از آنان اشاره می‌گردد.

**قاضی احمد ختنی** (نیکده‌ای) (بعد از ۷۳۳/۱۳۳۲م) از قضات آناتولی در این دوران است و کتاب «الولد الشفیق

رسانید. **قانعی طوسی** در اواخر قرن هفتم هجری درگذشت در حالی که همچنان لقب امیر و ملک‌الشعراى را به دوش می‌کشید. (ریاحی، ۱۳۵۰: ۴۲؛ مشکور، ۱۳۵۰: ۲۵؛ صفا، ۱۳۷۳: ۳، بخش ۱/۴۸۷؛ اقبال، ۱۳۱۲: ۷-۵۳۶)

**بهاء‌الدین محمد بن جلال‌الدین محمد سلطان ولد** (۷۱۲/۱۳۱۲م) از دیگر کسانی است که با آثار خود باعث نشر فرهنگ ایرانی در منطقه شده‌اند. افلاکی در «مناقب‌العارفین» می‌گوید: «حضرت ولد بعد از نقل والد خود سال‌های بسیاری به صفای تمام عمری راند و سه مجلد مثنویات و یک جلد دیوان انشاد فرموده، از معارف و حقایق و غرایب اسرار عالم را پر کرد و سی بلیدان کودن را عارف عالم و عالم عامل گردانید و جمیع کلام والد خود را با امثال عجیب و نظایر بی‌نظیر بیان و تقریر کرد...» (افلاکی: ۸۰۴) سلطان ولد، همچنان که از قول افلاکی معلوم است، آثاری به نظم و نثر داشت. نخست دیوان قصاید و غزل‌ها و رباعیات

و الحامد الخلیق» اثر ارزشمند وی می‌باشد که به‌ویژه فصل‌هایی مربوط به یک لهجه ناشناخته ایرانی دارد که هنوز مورد پژوهش و بررسی قرار نگرفته است. (ریاحی، ۱۳۵۰: ۴۳) در این کتاب همچنین درباره زندگی و دین قبایل ترکمن ساکن منطقه نیغده و ... آناتولی مرکزی مطالب جالبی آمده است. در اواخر حکومت سلجوقی قاضی احمد نیغده‌ای به تقلید از شاهنامه اثری منظوم خلق کرد به نام «سلجوق‌نامه» که از میان رفته است. همین امر می‌تواند دلالت بر تأثیر فرهنگ ایرانی و نشانه‌های آن باشد.

**عزیزبن اردشیر استرآبادی** هم از نویسندگان این دوران، «رساله بزم و رزم» را در سال ۱۳۹۳/۵۷۹۶م تألیف نموده است (بایرام و اوچاق، ۱۳۸۷: ۵۷) که در تاریخ قاضی برهان‌الدین سیواسی نوشته شده است. مؤلف، که به گفته خودش به دلایل اوضاع ناامن شرق دنیای اسلام و حمله تیمور به بلاد اسلامی، ناچار به مهاجرت به آناتولی شده، در سال ۱۳۴۷/۵۷۴۸م وارد آناتولی گردیده و در آنجا مورد استقبال قاضی برهان‌الدین سیواسی، حاکم وقت سیواس قرار گرفته و این کتاب را نیز به خواهش وی برای عبرت و آموزش همگان نوشته است. این کتاب اگرچه در مورد قاضی برهان‌الدین سیواسی و زندگانی و احوال وی نگاشته شده اما به دلیل اشاره‌های مکرر مؤلف به اوضاع اجتماعی آناتولی و به‌ویژه اواخر دوره سلجوقی دارای اهمیت است. اطلاعات او به‌ویژه در باب آموزش‌های رایج در آناتولی و اشاره‌های وی به علوم متداول در آن روزگار اهمیت خاص دارد.

## تألیفات منشیان و کاتبان

یکی از مهم‌ترین عواملی که سبب رونق فرهنگ ایرانی در آناتولی شد، استفاده از زبان فارسی به‌عنوان زبان رسمی دولت سلجوقی و استعمال آن در مکاتبات اداری، فرمان‌ها، منشورها و حتی مکاتبات شخصی بزرگان بود.

منشیان متعددی که وظیفه نگارش این مکتوبات را داشتند همگی یا ایرانی بودند و یا فارسی را به‌خوبی می‌دانستند و اغلب، خود ادیبانی بودند که نوشته‌هایشان از ارزش ادبی خاصی برخوردار بود. **شهاب‌الدین محمد خرنذری زیدری نسوی** یکی از آنهاست. وی ملقب به منشی است و کتاب «سیرت جلال‌الدین» نیز از منشآت خوب فارسی در قرن هفتم به‌شمار می‌رود که اصلاً به زبان عربی بوده ولی ظاهراً در همان وقت شخص دیگری آن را به فارسی ترجمه و تحریر کرده است.

از میان این دبیران صاحب هنر به‌ویژه باید به کسانی همچون، **محمدبن غازی ملتسیوی**، صاحب «روضه العقول» که ابتدا دبیری رکن‌الدین سلیمان شاه را داشت و چندی نیز به مقام وزارت رسید. (صفا، ۱۳۷۳: ۱۰۰)

**ابوبکر بن زکی المتطبب قونوی**، ملقب به صدر نیز یکی دیگر از منشیان بلیغ آناتولی در قرن هفتم بود. اگرچه این نوشتار عمدتاً بررسی احوالات ایرانیان مهاجر را مورد توجه قرار داده است، از این جهت که نوشته‌های صدر به زبان فارسی است و در محضر اساتید فارسی نیز تلمذ نموده است، ذکر نام وی در اینجا ضروری به‌نظر می‌رسد. «وی از علوم و معارف زمان خود مطلع بود و از آن میان مخصوصاً در طب و ادب و انشا و ترسل مهارت تمام یافت. مهم‌ترین اثر او، که دست‌نوشته‌هایی است تحت عنوان روضه‌الکتاب و حدیقه‌الالباب، توسط خودش جمع‌آوری گردیده و مجموعه نامه‌هایی است که انشا صدر در آنها بر شیوه مترسلان قرن هفتم نگارش یافته و دارای همان خصائص نثر مرسل و نثر مصنوع است.» (ریاحی، ۱۳۵۰: ۴۳ و نیز صفا، ۱۳۷۳: ۱۳۲۶/۳) این اثر علاوه بر آنکه از جهت ادبی حائز اهمیت است، حاوی اطلاعاتی تاریخی و اجتماعی از دوران اوست. به‌ویژه از مقدمه او در این کتاب اطلاعات فراوانی

در مورد نحوه آموزش منشیان خاص دربار مستفاد می‌گردد. **بدرالدین نخشبی رومی** نیز که اصلاً از نخشب (نسف) ماوراءالنهر نزدیک سمرقند بود مؤلف کتابی است به نام «الترسل الی التوسل» که در اول ذی‌الحجه سال ۱۲۸۵/۵۶۸۴م تدوین کرد و در زمینه انشاست. (صفا، ۱۳۷۳: ۱۳۱۸/۳)

**حسام‌الدین حسن بن عبدالمومن خوبی** (زنده در ۱۳۰۹/۵۷۰۹م)، هم از منشیان دیگر این دوران است. بیشتر ایام زندگی وی در دربار امیر چوپان بوده و اطلاعی از تولد یا مرگ او در تذکره‌ها موجود نیست «ولی با توجه به اتمام انشای «غنیة الکاتب» در سال ۱۳۰۹/۵۷۰۹م می‌دانیم که تا این سال در قید حیات بوده است. وی، که ملقب به مظفری است، علاوه بر آثار متعدد نظم و نثر، کتابی نیز به‌نام «قواعد الرسائل» در انشا دارد که به فارسی خالص است و در رجب ۱۲۸۵/۵۶۸۴م نگاشته شده است.» (صفا، ۱۳۷۳: ۲۸۵/۳)

## تاریخ‌نگاری فارسی در آسیای صغیر

**«نجم‌الدین ابوبکر محمدبن علی بن سلیمان راوندی**، که بعد از قتل طغرل‌بن ارسلان و برچیده شدن دولت آل سلجوق از عراق، روی به بلاد آسیای صغیر نهاد، در خدمت **غیاث‌الدین کیخسرو قلیچ ارسلان** (۵۸۸-۵۶۰۷/۱۱۹۲-۱۲۱۰م) درآمد و کتاب «اعلام الملوک» مسمی به «راحة الصدور و آية السرور» را که از مدتی پیش به تألیف آن شروع کرده بود در سال ۱۲۰۲/۵۵۹۹م به نام او تمام کرد. راوندی نه‌تنها در سال ۱۲۰۲/۵۵۹۹م بلکه چندی پیش از آن، چنان که از فحوای سخن او در دیباچه کتاب برمی‌آید، در اندیشه تألیف کتاب «راحة الصدور» بود و قدیمی‌ترین تاریخی که مؤلف برای پیدایش اندیشه تألیف راحة الصدور ذکر می‌کند سال ۱۱۴۸/۵۵۸۰م است. لیکن گویا

تنظیم مطالب و یادداشت‌های او بعد از مهاجرت به آسیای صغیر در حدود سال ۱۲۰۲/۵۹۹م صورت گرفته باشد و اتمام کلی این تألیف و درآمدن آن به نام غیث‌الدین کیخسرو بعد از فتح آنطالیه یعنی بعد از سال ۶۰۳/۱۲۰۶م انجام شد». (صفا، ۱۳۷۳، ج ۲: ۱۰۰۸-۹)

**شهاب‌الدین محمد خرنذری زیدری نسوی**، ملقب به منشی و نویسنده «سیرت جلال‌الدین منکبرنی»، از خانواده‌ای اعیانی بوده است. وی که تصدی دیوان کتابت انشا را نزد **جلال‌الدین خوارزمشاه** داشت بعد از مرگ وی خود را به آمد و بعد واردین رسانید و از طریق ممالک روم به میافارقین رفت و کتاب «نقته‌المصدور» را به سال ۶۳۹هجری/ ۱۲۴۱م در آنجا نوشت. این کتاب به زبان فارسی و دارای نثری مصنوع و شاعرانه و زیباست و شرح احوال خود و جلال‌الدین منکبرنی را از سال ۶۲۷/۱۲۳۹م در آن بیان کرده است. (نسوی، مقدمه مصحح، ۱۳۸۴: ک.ا. ل. ل.د.م) کتاب «سیرت جلال‌الدین» که از منشآت خوب فارسی در قرن هفتم به‌شمار می‌رود اصلاً به زبان عربی بوده ولی ظاهراً همان‌وقت شخص دیگری آن را به فارسی ترجمه و تحریر کرده است.

**ناصرالدین حسین بن مجدالدین محمد بن البی‌بی المنجمه** (ابن بی‌بی) مورخ مشهور این دوره نیز طبق اظهار خودش از پدر و مادری ایرانی متولد شد و کتاب «الاوامر العلانیة فی الامور العلانیة» را در سال‌های بین ۶۸۴-۶۸۱/۱۲۸۵-۱۲۸۲م هجری تألیف نموده است. (مختصر سلجوق‌نامه ابن بی‌بی، ۱۹۶، اقبال، ۱۳۱۲: ۹-۵۲۸)

**سلجوق‌نامه** ابن بی‌بی، کتابی تاریخی از نوع کتاب و صاف (تجزیه‌الابصار و تزجیه الاعصار) است. یقین است که نویسنده در این اثر متصنع و متکلف تنها قصد تاریخ‌نگاری نداشته است بلکه می‌خواسته با عبارت‌پردازی

و لفظ‌بازی اظهار فضل و دبیرپیشگی کرده و استادی خود را به رخ خواننده بکشانند. وی کتابش را به **علاء‌الدین عطا‌ملک بن محمود جوینی** تقدیم کرده است. (صفا، ج ۳، ص ۱۲۱۶ و ابن بی‌بی، ص ۲۹)

## فرهنگ‌نامه، دایرة المعارف و امثال به زبان فارسی

**حسام‌الدین حسن بن عبدالؤمن الخوی** متوفی بعد از ۱۲۹۱/۶۹۰م نیز، که ذکر وی گذشت، نخستین گام را در عرصه تألیف فرهنگ‌های ترکی به فارسی برداشت و فرهنگی با عنوان «تحفه حسام» را با استفاده از بحرهای مختلف عروضی در ۲۹۶ بیت به نظم کشید. علاوه بر آن، در سال ۱۲۴۳/۶۴۰م لغت‌نامه منظوم عربی به فارسی به نام «تصیبات‌الفتیان و نسیب التبیان» را نوشت. **قطب‌الدین محمود بن مسعود شیرازی** «علامه» (۷۱۰/۱۳۱۰م)، نیز کتاب معروفی در فارسی، به نام «دره التاج لفره‌الدیاج» دارد که در آن از چندین دانش حکمی و غیرحکمی سخن گفته است. (صفا، ۱۳۷۳، ج ۳: ۷۱-۲۴۰)

**حبیب‌بن ابراهیم تغلیسی** که در محیط تغلیس، همسایگی آناطولی بزرگ شده سپس به بغداد و از آنجا به روم آمده بود، کتاب مشهور خود «تقویم الادویه» را، که یک فرهنگ دارویی است، به پنج زبان فارسی، عربی، یونانی، سریانی و رومی نوشته است. «تغلیسی در مقدمه «کامل‌التعبیر» می‌گوید چون کتابی جامع در زمینه تعبیر خواب به زبان فارسی که بتواند مورد استفاده همگانی قرار گیرد موجود نبود این کتاب را به فارسی نگاشتم تا همگان استفاده نمایند. (تغلیسی، کامل‌التعبیر، ۱۳۶۲: ۴) تغلیسی همچنین کتاب‌های دیگر خود به نام‌های «قانون ادب» و «وجوه‌القرآن» را، که کاربرد همگانی داشتند، به همین منظور به فارسی تألیف کرده است. (تغلیسی، قانون ادب، ۱۳۵۱: ۲۰-۱۸).

### منابع

۱. حسین بن محمد بن علی الجعفری الرغدی؛ ابن بی‌بی. **الاوامر العلانیة فی الامور العلانیة**، به کوشش نجانی لوغال و عدنان صادق ارزی آنکارا، ۱۹۵۷م.
۲. اقبال، عباس؛ **تاریخ مفصل ایران**. تهران. مطبعة مجلس، ۱۳۱۲.
۳. افلاکی، شمس‌الدین احمد، ۱۳۶۲. **مناقب‌العارفین**، به کوشش تحسین یازجی، تهران. دنیای کتاب.
۴. بایرام، میکائیل و یاشار اوجاق؛ **جنبش‌های عرفانی سیاسی در زمان سلجوقیان**، مترجم: محمدتقی امامی خوبی، انتشارات گواه، تهران، ۱۳۸۷.
۵. تغلیسی، ابوالفضل حبیب‌بن ابراهیم، (۱۳۵۱) **قانون ادب**، به کوشش غلامرضا طاهر، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
۶. غیث‌الدین بن همادالدین حسینی خواندمیر، **تاریخ حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر**، تصحیح محمد دبیر سیاقی، کتابفروشی خیام، تهران، ۱۳۵۳.
۷. ریاحی، محمدامین؛ **نفوذ زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی**، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۰.
۸. زرین کوب، عبدالحسین؛ **جست‌وجو در تصوف ایران**، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳.
۹. صفا، ذبیح‌الله؛ **تاریخ ادبیات در ایران**، چاپخانه امین، تهران، ۱۳۷۳.
۱۰. لمیتون، آن؛ **ساختار درونی امپراطوری سلجوقی**، پژوهش دانشگاه کمبریج، مترجم: حسن انوشه، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۱.
۱۱. مشکور، محمدجواد؛ **اخبار سلاجقه روم**، کتابفروشی تهران، تهران، ۱۳۵۰.
۱۲. شهاب‌الدین محمد خرنذری زیدری، نسوی؛ **سیرت جلال‌الدین منکبرنی**، مصحح مجتبی مینوی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۴.
۱۳. بویل، جی.آ. **تاریخ ایران کمبریج**، ج ۵، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶.

### پی‌نوشت

۱. محمود عباسی «ابهری» سایت جامع اطلاع‌رسانی ابهر.

www.abharnet.ir